

# شایسته سالاری

## و

# کلید تحقق مردم سالاری

دکتر علی رشیدی

بخش چهارم

توجیه تئوریک خود حکومتی (self government) مردمان پیوند می زدند.

آزادی و برابری خواسته نهایی انقلابهای سده

هیجدهم

چنان که دیدیم، دو ایده آزادی و برابری انگیزه اصلی انقلابها در سده هیجدهم در اروپا و آمریکا بود. معنای آزادی، بر خورندگی از حقوق انسانی فردی است. تا آن هنگام پادشاهان مدعی بودند که وظیفه آنان حکم می کند که درباره باورها و نوشته های شهروندان تصمیم بگیرند و آنها را تنظیم کنند، و آزادی خواهان به این حق معترض بودند. نخستین خواسته آزادی خواهان آن بود که هر کس حق داشته باشد مطابق باورهای مذهبی خود عبادت کند، نه سیاست بازیهای شاهزادگان. شهروندان خواستار برچیده شدن بساط سانسور و آزادی چاپ نوشته ها و بیان عقاید در نشستهای عمومی بودند. آنان می خواستند از بند قوانین خلق الساعه افراد خاص و قضاتی رها شوند که تنها به دستور حکومت گردن می نهادند.

این درخواست برای آزادی های شخصی که در اعلامیه حقوق آمریکا (The American Bill of Rights) بازتاب یافت در قوانین اساسی بعدی نیز درج شد. در اعلامیه حقوق انسان و شهروند که پس از انقلاب فرانسه صادر شد، آمده است «آزادی عبارت است از توانایی انجام هر کاری که به شخص دیگر آسیب نرساند». آزادی مرزی ندارد و تا

۱- لیبرالیزم سده هیجدهم - نیروی

پیش برنده مردم سالاری

جدا از تجربه آنتیان در سده های پیش از میلاد، آموزش های مذهبی یهودی - مسیحی، در گذر سده ها تقدس و ارزش انسان را مورد تأکید قرار داده بود. اصلاحات مذهبی از سده شانزدهم به بعد نیز مسئولیت های فرد عادی و مسئولیت فرمانروایان را شناخته بود و انضباط شخصی که بی آن آزادی به هرج و مرج تبدیل می شود، تشویق شده بود. پروتستان های اواخر سده شانزدهم برای ایده انقلابی آزادی اعتقادات مذهبی فردی جان باخته بودند.

در سده هیجدهم عقاید لیبرال بازتابی از تأکید نهضت روشنفکری (enlightenment) بر وقار و احترام و حیثیت و شادی و خوشبختی انسان در کره زمین بود. آزاداندیشان مانند پیش گامان جنبش روشنفکری به علم، منطق و پیشرفت باور داشتند. پذیرش اصول آزاداندیشی، به معنای دولت و حکومت بهتر و جامعه ای بهتر برای همگان بود. همه پیش گامان جنبش روشنفکری سخت به آزادیهای فردی باور داشتند. آنان تحمل عقاید مذهبی یکدیگر، آزادی مطبوعات و سخن و برابری و رفتار یکسان در مقابل قانون را تبلیغ می کردند که همه از انسان گرایی (humanism) جنبش روشنفکری سرچشمه می گرفت. برخی اندیشمندان انگلیسی و فرانسوی ملاحظات روشنفکری درباره آزادیهای فردی و برابری در مقابل قانون را بویژه به

انگلیس معتقد بود که گروه‌های نیرومند بین حکومت و شهروندان، مانند قوه قضاییه مستقل، بهترین ابزار دفاع از آزادی در برابر قدرت مطلقه است.

اینکه نهادهای انتخابی می‌تواند از منافع و آزادیهای فرد دفاع و پاسداری کند، مورد پشتیبانی و درخواست بورژوازی تحصیل کرده و بهینه طلب بود. گذشته از این، بیشتر کسان از طبقه اشراف نیز از حقوق فردی و آزادی‌های سیاسی پشتیبانی می‌کردند. دموکراسی به معنای حکومت توده مردمان نبود. حکومت انتخابی به دست کسانی بر سر کار می‌آمد که دارای مالکیت بودند.

## ۲- انقلاب کلنی‌های انگلیس در آمریکا-

### سربر آوردن مردم سالاری

بن مایه انقلاب آمریکا این ایده آزاداندیشانه بود که وضع مالیات بر شهروندان از حقوق نمایندگان آنها در پارلمان است و چون کلنی‌ها در پارلمان انگلیس نماینده نداشتند افزایش مالیاتها (دو برابر کردن مالیاتها) و وضع مالیات تازه به صورت حق تمیر (سال ۱۷۶۵) غیر قانونی است.

مردم کلنی‌ها سخت در برابر مالیات تازه و کالاهای انگلیسی ایستادند و پارلمان انگلیس با اکره مالیات را لغو کرد. پرسش اصلی، حق دولت انگلیس در وضع مالیات و محدود کردن قدرت مجالس قانون گذاری محلی در کلنی‌ها بود که بعنوان نمایندگان شهروندان به وضع مقررات و قانون می‌پرداختند. در کلنی‌ها شعار «مالیات، بی نمایندگی ظالمانه است» بر زبان همه بود.

در آمریکا، برخلاف اروپا، کلیسایی پابرجا و نیرومند وجود نداشت و در نتیجه آزادی فردی در زمینه باورهای مذهبی از بدیهیات بود. مجالس محلی قوانینی می‌گذراندند که کمتر با مخالفت دولت انگلیس روبه‌رو می‌شد و حق رأی در کلنی‌ها عمومیت بیشتری از خود انگلیس داشت. در کلنی ماساچوست ۹۵ درصد مردمان بالغ رأی می‌دادند. گذشته از آن، برابری بیشتر، همراه با برابری سیاسی و اجتماعی بیشتر بود. گرچه بردگی سیاهان وجود داشت ولی برای بقیه شهروندان بردگی ارثی یا اشرافیت ارثی در کار نبود. کشاورزان مستقل اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند و امور اجتماعی را سمت و سو می‌دادند. تجربه کلنی نشینان به آنان اجازه داده بود که خود را جدا و متمایز از انگلیسی‌ها بدانند و مالیات تازه، آنان را بیش از پیش همبسته و همصدا کرد. نوشته‌های توماس پین (Thomas Paine)

جایی است که شخص دیگر عضو جامعه نیز بتواند از همان حق استفاده کند.

در خواست آزادی، در واقع درخواست برپایی حکومت تازه بود. آزادی خواهان معتقد بودند که مردمان حاکمند و حق تصمیم گیری دارند و تنها خود آنان می‌توانند مرز آزادی را تعیین کنند (قانون وضع کنند). شهروندان نمایندگان خود را برای قانون گذاری برمی‌گزینند و نمایندگان در برابر شهروندان مسئول و پاسخگویند. آزادی خواهان دوران انقلاب بر این باور بودند که هر گروه از شهروندان یا هر گروه و قومی حق تعیین سرنوشت خویش یا برپا کردن یک ملت آزاد را دارد.

معنای برابری برای آزادی خواهان سده هیجدهم این بود که هر کس دارای حقوق برابر و آزادی‌های مدنی برابر با دیگران است. بالاتر از همه، اشراف به علت زاده شدن در خانواده‌ای ویژه، امتیاز یا حقی بیش از دیگران ندارند. معنای برابری، تساوی اقتصادی نبود. برابری برای پیگیری خوشبختی مورد نظر بود؛ موفقیت هر کس به تلاش خود او بستگی دارد و هر شهروند در به دست آوردن ثروت، از دید حقوقی، از فرصتی برابر با دیگران برخوردار است. آزادی خواهان فرانسوی اعلام کردند که «مشاغل باید بر روی استعدادها باز باشد». اشتغال در دستگاه دولت، در رشته‌های اقتصادی و در حرفه‌ها بر پایه توانایی است نه پیشینه خانوادگی و موقعیت حقوقی.

ایده برابری در بهره‌گیری از فرصت‌ها در اروپای سده هیجدهم که در آنجا نابرابری‌های حقوقی و قانونی سایه افکن بود، ایده‌ای بسیار انقلابی به‌شمار می‌رفت.

جامعه از دید حقوقی به گروه‌های ممتاز مانند اشراف و روحانیون، و گروه‌های محکوم به کار و زحمت (مانند کشاورزان) تقسیم می‌شد. در بسیاری از کشورهای اروپایی گروه‌های طبقه میانی مانند افراد حرفه‌ای (حقوق دانان، قضات، نویسندگان و...)، بازرگانان، مردمان شهری و صنعتگران از امتیازاتی برخوردار بودند که به آنان اجازه می‌داد به گونه انحصاری بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را در اختیار داشته باشد. آزادی خواهان به این نابرابری‌ها برخاسته از تمایز ساختگی حقوقی اعتراض داشتند.

جان لاک (John Locke) پیش از آن گفته بود که سنت دیرپای انگلستان بر «حقوق شهروندان انگلیسی» و یک دولت منتخب از راه پارلمان استوار شده است.

منتسکیو نیز در فرانسه با الهام از تاریخ قانون اساسی

سیاسی بارفاه اقتصادی نبود. حق مالکیت بر پایه اصلاحیه شماره ۵ قانون اساسی تضمین شده بود و اگر حکومت ملک خصوصی اشخاص را می گرفت مالک حق دریافت پول و «جبران عادلانه مال خود» را داشت. انقلاب لیبرال در آمریکا پیش از هر چیز، انقلابی حقوقی و سیاسی بود تا اقتصادی و اجتماعی.

### ۳- مفاهیم تازه آزادی - مسئولیت دولتها در جامعه مردم سالار

امروز برای ما در امان بودن از بیماریها، عوامل پدید آورنده کار آبی، بیسوادی، مسکن شلوغ و نامناسب و محیط آلوده اهمیت بسیار دارد و مهمتر از آزادی و برابری قانونی در بستن قرارداد شمرده می شود که زمانی مسئله اصلی مردمان آمریکا در زمان استقلال بوده است. در دسته بندی زیر، آزادیهای قدیم با آزادیهای تازه سنجیده شده است:

#### حقوق شهروندی بر خاسته از مردم سالاری

آمدن به مرکز حکومت، دادوستد با دولت، درخواست پشتیبانی، استخدام در ادارات، دسترسی به بنادر، دسترسی به منابع، ادارات و دادگاهها؛ درخواست و برخورداری از پشتیبانی و حفاظت در زندگی، آزادی داشتن اموال در دریاها و خارج از کشور؛ استفاده از راههای آبی قابل حمل و نقل، برخورداری از امتیازات به دست آمده در چارچوب قراردادها و عهدنامهها با دیگر کشورها، حفاظت در برابر آسیبهای جسمی، تهدید یا محدود شدن فرد در اعمال حق.

#### ۴- از مردم سالاری تا شایسته سالاری

انقلابهای سیاسی اروپا و کلنیهای آن در قاره جدید در اواخر سده هیجدهم و جنگهای ناپلئون در اوایل سده نوزدهم، آثاری ژرف و آزادی بخش بر اندیشهها، مناسبات و رفتارها و الگوهای حکومتی در سراسر جهان داشته است، پذیرش اصل مردم سالاری در حکومت که خود از شناخت حقوق طبیعی ذاتی برای انسان مایه می گیرد، بزرگترین دستاورد این انقلابها و جنگها بوده است. وقتی حکومت متعلق به مردمان است و شهروندان برای اداره کارهای خود مقامات حکومت را بر می گزینند، دو پرسش مطرح می شود: یکی اینکه هدف حکومت چیست،

(1737-1809) که جدایی آمریکا و برتری اخلاقی آن بر انگلیس را تبلیغ می کرد، در شدت بخشیدن به مبارزه آنان مؤثر بود.

کنگره سراسری دوم (second Continental Congress) در چهارم جولای ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال را تصویب کرد. این اعلامیه که آنرا توماس جفرسون نوشته است، اعلام می دارد که استقلال حق طبیعی انسان است و آمریکاییان حق تعیین حکومت خود را دارند. اعلامیه استقلال در واقع حقوق سنتی شهروندان انگلیسی را جهانی می سازد و آنرا حق بشریت می داند. این اعلامیه می گوید «همه مردمان برابر آفریده شده اند... به دست آفریننده خود با حقوقی انکارناشدنی به جهان آمده اند... در میان این حقوق، حق زندگی، آزادی و پیگیری خوشبختی است».

نمایندگان حاضر در کنوانسیون قانون اساسی در ۱۷۸۷ سرانجام توافق کردند که يك حکومت فدرال با حق تنظیم بازرگانی خارجی و داخلی، حق وضع مالیات و حق اعمال قانون در جمهوری برپا شود؛ حق حکومت بر خود از راه برپایی مجلس سنا و کنگره که قانون وضع می کنند تضمین شد؛ شهروندان رئیس جمهوری را به گونه مستقیم بر می گزینند؛ دولت مرکزی بر پایه نظرات منتسکیو دارای ابزارهای کنترل تعادلی درونی است؛ قوه قانونگذاری، مجریه و قضاییه یکدیگر را به گونه متعادل کنترل می کنند؛ قدرت خود حکومت فدرال با قدرت تک تک ایالات کنترل می شود.

برای تضمین حقوق فردی در برابر قدرت حکومت فدرال نخستین کنگره در مارس ۱۷۸۹، ۱۰ اصلاحیه قانون اساسی را تصویب کرد که اعلامیه حفظ مؤثر حقوق فردی است. بن مایه بیشتر این حقوق مانند محاکمه در حضور هیئت منصفه، اجرای درست قانون، حق اجتماع، آزادی از پیگرد و تفتیش بی دلیل، همان قوانین انگلیس و اعلامیه حقوق انگلیس (English Bill & Rights) مصوب ۱۶۸۹ بود. دیگر حقوق شهروندان مانند آزادی بیان، مطبوعات و مذهب بازتابنده تئوری قانون طبیعی و تجربه خود آمریکاییان بود.

قانون اساسی آمریکا و اعلامیه حقوق فردی، به درستی بازتابی است از لیبرالیزم کلاسیک. آزادی، به معنای آزادی فردی با حفاظتهای سیاسی آن است. آزادی به معنی «دولت نماینده شهروندان» بود، ولی به معنی دموکراسی که اساس آن «هر نفر يك رأی» است، نبود.

برابری در مقابل قانون، به معنی برابری از نظر مشارکت

حقوق تازه اقتصادی و اجتماعی	آزادبها و حقوق قدیمی مندرج در قانون اساسی آمریکا
<p>۱- فرصت برابر برای همه در رقابت در بازار آزاد (Open market)</p> <p>(الف) بهره‌گیری برابر از تسهیلات عمومی مانند راه آهن‌ها، کانال‌ها، ترمینالها، انبارها؛</p> <p>(ب) آزادی از رقابت تجاری ناعادلانه و فاسد - تقلب، نارویی، همدستی برای نابود کردن رقیب، قراردادهای انحصاری برای محدود کردن رقابت و . . .</p> <p>۲- حق برخورداری از حفاظت واقعی در برابر مجرمان (الف) آیین دادرسی ساده و کمتر فنی چه در دعاوی مدنی و چه در دعاوی کیفری؛</p> <p>(ب) سیستم پلیس کاملتر و کارآمدتر چه در شهرها و چه در مناطق روستایی؛</p> <p>(پ) تمایز دقیقتر مجرمان تصادفی از جنایت‌کاران حرفه‌ای.</p> <p>۳- آزادی مصرف‌کننده از احجاف و تحمیل هزینه‌های خردکننده و ناروادر خرید همه کالاها، کفش، لباس، عادی، گوشت‌ها، غذاها، داروها، نوشابه‌ها، کفش، لباس، زغال، تنباکو، شکر، روغن، هزینه‌های حمل و نقل و ارسال سریع کالاها.</p> <p>۴- هیچ‌کس نباید از فرصت‌های خودسازی و بهبود آموزش و تفریح محروم گردد، حتی با وضع قانون و انجام تشریفات قانونی.</p> <p>۵- آزادی از سکونت در مسکن شلوغ و آلوده و غیربهداشتی کارخانه‌ها، فروشگاهها، حق بازرسی منازل و کارخانه‌ها و . . .</p> <p>۶- حق مشارکت کامل در رشد و تکامل اقتصادی و دریافت حقوق و دستمزدی که برای سطح زندگی مناسب و معقول کافی باشد.</p> <p>۷- حق در زمینه برخورداری از زیبایی و ابزارهای برخورداری و لذت بردن بیشتر از تمدن.</p>	<p>۱- حق برخورداری یکسان از حمایت قانون</p> <p>۲- حق متهم در محفوظ ماندن در جریان دادرسی</p> <p>۳- آزادی بیان، مطبوعات و مذهب</p> <p>۴- زندگی هیچ‌کس را نمی‌توان بی‌جریان درست قانون قطع کرد</p> <p>۵- آزادی سربازان از سکونت اجباری در جاهای ویژه در زمان صلح - آزادی مردم از جاسوسی و تفتیش منازل و محل سکونت آنها</p> <p>۶- هیچ‌کس را نمی‌توان از آزادی و دارایی او بی‌اجرای دقیق قانون محروم کرد</p> <p>۷- حق حمل سلاح</p>

- ۱- مشارکت دائم شهروندان در تعیین خواسته‌ها و نیازها و اعلام نظرات و تعیین تکلیف و وظیفه برای حکومت؛
- ۲- مشارکت دائم شهروندان در گزینش نمایندگان خود در سطوح گوناگون برای انجام دادن وظایف مورد درخواست؛
- ۳- مشارکت دائم شهروندان در تأمین هزینه‌های لازم برای اداره کارها و برآورده شدن درخواست‌های خود از حکومت؛
- ۴- ضرورت نوآوری و ایجاد ساختاری حکومتی که نظام مردم‌سالاری را حفظ و در جهت منافع عمومی کار کند. تقسیم امر حکومت به سه بخش قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی در سایه نظارتی با مکانیزم‌های کنترل متقابل و درونی؛
- ۵- ضرورت ایجاد ساختار و مکانیزم‌هایی که پیوسته به نیازها و خواست‌های فزاینده شهروندان پاسخگو باشد و اجازه ابراز و انعکاس این خواست‌ها را بدهد و امکانات تحقق آنها را فراهم سازد؛
- ۶- پذیرش اصل طبیعی رقابت و برتری جویی انسانی و فراهم‌سازی زمینه تحقق و تبلور آن به گونه سودمند و سازنده، بی‌نهی و نابودی آزادیهای دیگران. (دنباله دارد)

حکومت باید برای شهروندان چه کاری انجام دهد که خود فرد به تنهایی توان انجام دادنش را ندارد، و دیگر اینکه چه کسی شایسته احراز سمت نمایندگی از سوی شهروندان برای انجام دادن بخشی از وظایف محوله به حکومت است. وظیفه و نقش حکومت مردم‌سالار در هر زمان تحقق خواسته‌های شهروندان در زمینه امنیت رفاه، بهزیستی و توسعه و تکامل آنها به شرح زیر است:

- شناخت و بارآوری استعدادها، امکانات، نیروها، منابع - سازمان و تشکیلات، کادر و نیروی انسانی مناسب و کارآمد

- ساختار دفاعی، امنیتی، دادگستری و قضایی  
- ساختار آموزش و پرورش و آماده‌سازی نیروی کار  
- ساختار تولید (کشاورزی، صنعتی، خدماتی، علمی و تکنولوژیک)

- سیاست‌ها و برنامه‌ها و مناسبات و نهادهای مناسب برای تحقق اهداف ملی در سطح داخلی و بین‌المللی.

بنیان‌گذاران نظام‌های حکومتی مردم‌سالار بر پایه تاریخ دو هزار ساله تکامل جوامع بشری و تجربه موفق برخی جوامع، شش اصل را برای استقرار چنین حکومتی، اساسی و لازم شناختند.

## معرفی کتاب

# نظام سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی اروپا

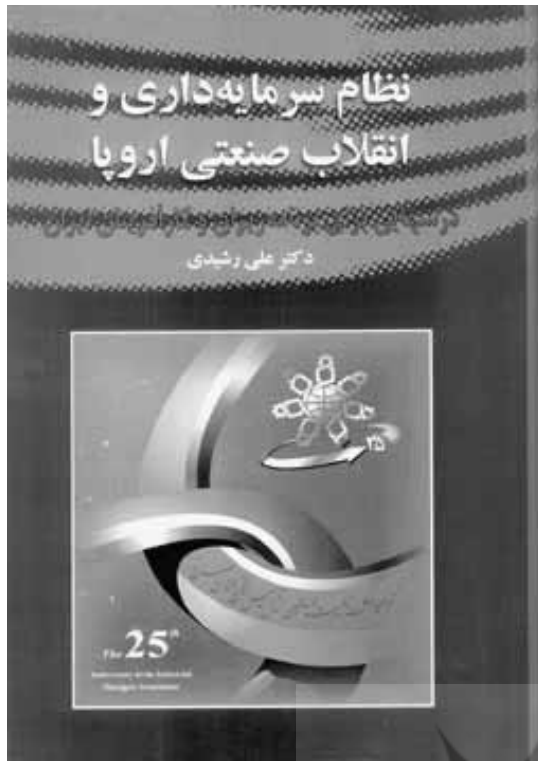
درس‌هایی برای برنامه‌ریزان و کارآفرینان ایران

دکتر علی رشیدی

است. فصل سوم به تحولات بنیادی جوامع اروپایی که به استقرار نظام سرمایه‌داری (فعالیت‌های اقتصادی مردم) منجر گردید، اختصاص دارد. نقش شهرهای کلیسایی بعنوان مراکز مهم اقتصادی اولیه، قحطی پول، مرگ سیاه، سقوط قیمت‌ها و مبارزه بورژوازی با سلطنت و بالاخره تثبیت وضع اقتصادی و سیاسی اروپا در آغاز قرن پانزدهم موضوعات مطرح شده در این فصل است. موضوع فصل چهارم، مقدمات انقلاب صنعتی است.

تاریخچه هزار ساله فعالیت اقتصادی مردم اروپا از زمان سقوط امپراتوری روم (۴۵۰ میلادی) به دست اقوام وحشی و فرار مردم شهرها به جنگل‌ها و بیابانها و خوردن ریشه درخت‌ها برای زنده ماندن، تازره ذره زنده کردن دوباره کشاورزی و تولید کارگاهی تا آغاز تجارت و دادوستد با خاورمیانه و رشد طبقه سوداگر، ایجاد شهر - حکومت‌ها به دست سوداگران، راه‌اندازی جنگ‌های صلیبی و پیدایش اقتصاد و دادوستد رقابتی بین مناطق شرق و غرب و شمال و جنوب اروپا، در دو فصل اول کتاب مورد بررسی قرار گرفته





شکست آنها بیان گردیده است.

فصل دهم چکیده فصل‌های نه گانه قبل و نتیجه‌گیری از تحولات هزار ساله جوامع اروپایی با دیدر اهنمایی و ارشاد برنامه‌ریزان و کار آفرینان ایران و یا هر کشور در حال توسعه دیگر است که می‌خواهد راه انقلاب صنعتی را طی نمایند. در این فصل نشان داده شده است که صنعتی شدن تنها برداشتن دلارهای نفتی و رفتن به اروپا و خرید و آوردن و نصب ماشین آلات نیست. ضرورت ایجاد محیط و تأسیسات و فرهنگ و ابزار لازم برای انقلاب صنعتی در کشور، جداگانه تشریح شده است.

ضمائم کتاب تحت سه عنوان (۱) سطح سرانه صنعتی شدن کشورها ۱۹۱۳-۱۷۵۰ و (۲) درباره سند ملی توسعه بخش صنعت در ایران و بالاخره (۳) نقش کلیدی پول و اعتبار در توسعه اقتصادی-صنعتی جهان پایان بخش کتاب است که مخصوصاً بر نشان دادن اهمیت تأسیسات پولی و بانکی و سیاست دولتها در حمایت از توسعه صنعتی تکیه دارد.

پایان بخش کتاب تصاویر تاریخی، نقشه‌ها، و پانزده صفحه منابع و ماخذ می‌باشد که نشان می‌دهد چه کارهای عظیمی برای باز شناخت تاریخ اقتصادی اروپا انجام شده است و برای ما تاریخ تکامل اقتصادی ایران همچنان ناشناخته باقی مانده است.

شروع اولیه در انگلستان، دلائل شروع از انگلستان، تجمع سرمایه، انقلاب در کشاورزی، حصار کشی اراضی، رشد تجارت خارجی، کلنی سازی آمریکا، تکامل صنایع دستی به اولین کارخانه‌ها، مسئله انرژی و حمل و نقل، پیدایش راه آهن و وضع اولیه صنعت و جمعیت در این فصل مختصراً مورد بحث قرار گرفته است.

آغاز انقلاب صنعتی در انگلستان موضوع فصل پنجم کتاب است: تعریف توسعه صنعتی، تکنولوژی و انقلاب صنعتی، اختراع ماشین آلات نساجی، آهن و ذغال، موتور بخار و اثرات آن از موضوعات مورد بحث در این فصل است.

تکامل سرمایه‌داری در فرانسه و تفاوت آن با انگلستان در فصل ششم بیان گردیده است. توسعه صنعتی آلمان در قرن نوزدهم موضوع فصل هفتم است که در آن تحقق انقلاب صنعتی واقعی در مدتی کوتاه به کمک عوامل بسیار مساعد (دولت و مردم) و وجود نیروی کار ماهر با انضباط و معتقد به آرمانهای ملی تشریح شده است. چگونگی پیدایش و تکامل تک تک رشته‌های صنعتی از نکات قابل مطالعه خاص این فصل است.

موضوع فصل هشتم ظهور دومین انقلاب صنعتی در اروپا از ۱۸۵۰ به بعد است. پیشرفت‌های علمی در رشته‌های فیزیک و شیمی، تکنولوژی، انواع موتورها، تولید فولاد، الکتریسیته و تحولات صنایع مختلف در قسمت اول این فصل بیان گردیده است.

تحولات سازمان فعالیت‌های اقتصادی از مشارکت‌ها تا شرکت‌های سهامی و ظهور انحصارات، انواع تمرکزها در قسمت دوم این فصل تشریح شده است و سپس موضوع اقتصادی-سیاسی مهم انتقال رهبری صنعتی از انگلستان و فرانسه به آلمان و ایالات متحده بیان گردیده است. از موضوعات بسیار جالب این فصل شرح ویژگی‌های طبقه متوسط (ایده‌آلها، اخلاق، فرهنگ، آزاداندیشی، ملی‌گرایی، تقدس کار، پاک دینی جنسی و...) است. از نکات نهایی تشریح شده در این فصل تعلیم و تربیت، پژوهش‌های علمی، نظام سرمایه‌داری مالی و... ظهور اقتصاد بین‌الملل و پایه پول-طلا می‌باشد.

فصل نهم به رشد نیروی کار سازمان یافته در اروپا اختصاص دارد که در آن پیدایش و تکامل و مبارزات تشکلهای کارگری در سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان تشریح شده است و علل پیدایش عقاید مختلف و موفقیت و